

محیط زیست و اهمیت آن

نویسنده: عبدالسلام سکوت

چکیده

بشر از بدو پیدایش همواره محتاج سر پناه، غذا، آب و هوا بوده است. حتی لباس یا تن پوش برای محافظت از سرما و گرما نیز بخشی از نیازمندیهای بشر است. همه این نیازمندیها و احتیاجات مستقیم یا غیر مستقیم به وسیله طبیعت بر آورده میشود و تا اکنون نیز معدودی نیازهاییست که به صورت غیر طبیعی ساخته میشوند. همین طبیعت بود که اجازه داد بشر با استفاده از تمام امکانات آن رشد کند و بر جمعیت خویش بیفزاید، از حاصل و سرمایه های طبیعت بخورد و بیاشامد و در دامنش از گزند حوادث در امان باشد.

روند رو به رشد جمعیت انسانی و نیاز به غذا، آب، هوا و از جانب دیگر نیاز به سر

پناه، لباس، جاده، انرژی و هزاران مورد دیگر منابع بیشتر طبیعی را میطلبند، منبعی که بیشتر نشده؛ بلکه توسط انسان در حال نابودی است. انسان هرگز پی به واقعیت این امر نبرده و یا نخواسته سر در گریبان کند و بزرگترین حامی اش را در طول حیات بشناسد؛ چه رسد که آن را قدر و حفاظت نماید. کمتر کسی به صورت درست اهمیت و ارزش منابع طبیعی و به طور کل محیط زیست را میداند. با تأسف انسان آن قدر مشغول رشد اقتصاد است که هرگز به منابع تمویل کننده این اقتصاد توجه نمیکند.

واژه گان کلیدی: نیاز، احتیاج، منابع طبیعی، آلاینده ها.

مقدمه

محیط زیست شاخه جوانی از علوم است که بخشهای مختلفی از جمله اقلیم شناسی، بوم شناسی، گیاه شناسی، جانورشناسی، زیست شناسی، حیات وحش، زمین شناسی، برنامه ریزی شهری، بهداشت و هواشناسی را در بر میگیرد. در تعریفهایی که تا کنون از محیط زیست به عمل آمده است، تناقض اندکی دیده میشود. بعضی از کارشناسان، محیط زیست را تعریف کرده اند:

«محیط زیست عبارت است از هوا، خاک و آب که لازمه ادامه حیات بشر بر روی کره زمین است» (علیخانی؛ ۱۳۷۹: ۶۴) آنچه که از تعریف بر میآید اینست کره خاکی به عنوان زادگاه و محیط زنده گی انسان شامل سه ترکیب کلی هوا، خاک و هواست که نمیتوان آنها را نادیده گرفت؛ اما عده یی نیز ابنیه تاریخی را شامل آن تعریف نموده اند و هم افرادی گیاهان و حیوانات را به طور کل در تعریف محیط زیست شامل کرده اند؛ پس «محیط زیست به تمام محیطی اطلاق میشود که نسل انسان

به طور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و زنده گی و فعالیتهای او در ارتباط با آن قرار دارد. محیط زیست انسان شامل هوا، آب، خاک، گیاه، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده می باشد». (اداره آموزش مازندران؛ ۱۳۸۲). (Mohitdar.logfa.com). به عقیده نویسندگان تعریفهای ذکر شده جامع و کلی نیست؛ چه محیط زیست می تواند به تمام آنچه که بر حیات انسان به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر گذار باشد، اطلاق گردد. پرسشی مطرح میشود که آیا می توان تأثیر خورشید بر حیات زمین و انسان را به عنوان یک ستاره مجزا از کره زمین نادیده گرفت؟ بدون شک باورمند هستیم که بدون نور خورشید هرگز گیاهی سبز نمیشود، بدون گیاه انرژی غذایی در کره خاکی وجود نخواهد داشت و بدون نور خورشید زمین به کتله عظیم از یخ بدل خواهد شد و امکان زنده گی را از ما خواهد گرفت. بناءً خورشید و به عین ترتیب همه آنچه که در عالم هستی وجود دارد بر زنده گی بشر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر گذار است. بنابر این، لباس تن آدمی تا دور ترین سیاره و ستاره شامل بخشی از محیط زیست انسان میگردد. در نتیجه محیط زیست را میتوان تعریف کرد:

محیط زیست عبارت است از تمام موجودات زنده و غیر زنده که در عالم هستی وجود دارند و به نحو مستقیم یا غیر مستقیم بر زنده گی انسان تأثیر گذار میباشند.

انواع محیط زیست

اکثر دانشمندان علوم تجربی محیط زیست را به سه بخش تقسیم کرده اند:

۱- محیط زیست طبیعی: به آن بخشی از محیط زیست اطلاق میشود که در

تشکیل آن بشر نقشی ندارد و از مواهب الهی است شامل جنگلات، مراتع، کوه ها، صحراها، رودخانه ها، دریاها، باتلاقها و ... میگردد. عوامل تشکیل دهنده آن شامل جاندار مانند نباتات و حیوانات و بی جان مانند خاک، آب و هوا میباشد.

۲- محیط زیست مصنوعی: شامل همه مواردی است که انسان به نحوی در تشکیل آن نقش دارد و زاده تفکر و خلاقیت اوست؛ مانند صنایع، مناطق مسکونی، وسایط نقلیه، سرکها و ...

۳- محیط زیست انسانی: بعضاً آن را محیط زیست اجتماعی هم یاد کرده اند شامل تمام اجتماعات انسانی موجود در کره زمین است از خانواده گرفته تا اجتماع کوچک یک قریه، شهر و حتی اجتماع انسانی کشورهای دیگر. (امید؛ ۱۳۹۲: ۱۰) متأسفانه تا کنون فقط روی مکان تمرکز شده است؛ یعنی، به طور قطع همه دانشمندان از محیط زیست تعریفی بر حسب محیط ارایه نکرده و بحث زمان را شامل آن نساخته اند. سوال اینجاست که وقتی میگوییم مکان زیستن؛ این مکان از چه زمانی آغاز شده و برای چه کسیست؟ به عقیده بنده محیط برای فرد معنا دارد. وقتی فردی در این دنیا نباشد؛ یعنی، مکانی برای حضور نداشته باشد؛ محیط برای او چه معنی داشته میتواند؟ یا وقتی انسانی از دنیا میرود نهایتاً محیط برای او هیچ اهمیتی ندارد؛ چون زمان برای او ختم شده است؛ پس مکان در چوکات زمان معنا پذیر است. دقیقاً از لحظه یی که کودک در بطن مادر زنده میشود محیط برای او آغاز میگردد؛ محیطی برای زیستن؛ چه اگر این محیط سالم باشد فرد سالم به دنیا خواهد آمد؛ ولی اگر مادر حامله بیمار باشد و یا حتی ناراحتی روحی داشته باشد طفل بیمار خواهد بود- مادر به عنوان اولین محیط بر حیات

او تأثیر گذار است.

عوامل محیط زیست

طوری که در تعریف اشاره رفت محیط زیست تمام موجودات تأثیر گذار را در حیات انسان شامل میشود؛ اما اصلی ترین عوامل آن برای بقا و ادامهٔ نسل موجودات زنده، موجودات غیر زنده اند. «آب، خاک و هوا، این سه عامل در طبیعت، موضوع اصلی محیط زیست و حیات را شامل میشود. آلوده گی و استفاده سوء بر یک بخش طبیعت، بخشهای دیگر را تحت تأثیر قرار خواهد داد». (احمدیار؛ ۱۳۹۱: ۳۴)

سرمایه های طبیعی

ادیان و مذاهب همیشه برای بهبود وضعیت بشر نازل شده تا راه و روش بهتر زیستن را به انسان بیاموزاند. وقتی قرآن به عنوان کاملترین کتاب آسمانی میفرماید: «همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راه هایی پدید آورد و هم از آسمان آب نازل کرد و با آن آب آسمانی انواع نباتات مختلف (به صورت زوج) از زمین برویانیدیم» (سوره طه، آیه ۵۳) پروردگار دقیقاً میخواهد به آدمی به عنوان خلیفه خود بر روی زمین بفهماند که آب، خاک، هوا و کلاً گیاهان و موجودات زنده برای ادامهٔ حیات او لازمی هستند. این موردی است که حتی در ادیان ماقبل اسلام نیز به آن اشاره شده است.

بدون شک، خداوند تمام نیازمندیهای بشر را در زمین آفریده است؛ اما طبیعت و منابع طبیعی حالت محدودی دارد و صرف از مفاد این منابع میتوان استفاده کرد، هر چند در بسا مواقع ما از اصل سرمایه استفاده مینماییم که موجب ختم آن میگردیم؛ طور

مثال زمانی که بیشتر از یک سوم جنگلات جهان در حال نابودی است و انسانها بدون در نظر داشت حالت طبیعی و زمان بندی رشد درختان، در کوتاه ترین فرصت ممکن توسط ماشین آلات برقی، جنگلی را قطع میکنند در حقیقت اصل سرمایه را مصرف مینمایند؛ اما وقتی از حاصلات جنگل مثل پسته استفاده میشود اصل سرمایه برای سالیان متمادی مورد استفاده نسل کنونی و آینده خواهد بود و صرفاً مفاد سرمایه برداشت شده است.

بعضی از این سرمایه ها قابل تجدید اند و شماری غیر قابل تجدید؛ مانند انرژی باد، نور، امواج، زیست توده یی و زمین گرمایی سرمایه های تجدید پذیر اند هر قدر هم که ما بتوانیم از بادهای یا امواج دریا استفاده بهینه نماییم باز هم جای استفاده را دارد؛ اما وقتی که از نفت و یا گاز به عنوان ذخایر فنا پذیر استفاده شود اصل سرمایه در حال تمام شدن میباشد؛ از جانب دیگر انرژیهای قابل تجدید کمترین میزان آلوده گی را برای محیط زیست دارند؛ حال آنکه منابع غیر قابل تجدید دوباره به طبیعت برمیگردند و اما آلاینده های خطر آفرین برای حیات بشر اند.

بی شک، هر یک از ما به عنوان یکی از ساکنین کره زمین و به عنوان یکی از مصرف کننده گان محصولات آن، وظیفه داریم تا به سهم خود از آب و منابع طبیعی آن دست کم برای سلامت زنده گی خودمان حفاظت کنیم. این رسالت در عین اهمیت فوق العاده یی که دارد چندان دشوار و دور از دسترس هم نیست و صد البته، آموزش، بهترین شیوه انجام این رسالت است. (ایوبی؛ ۱۳۹۱)

شبکه حیات

همه چیز در عالم هستی حالت زنجیره‌ی بی دارد. اگر چیزی نابود شود یقیناً باعث خلق موجود دیگری خواهد شد. این اصل در مورد ایجاد غذا برای تولید انرژی نیز ثابت است. انرژی هرگز از بین نمی‌رود؛ بلکه از حالتی به حالت دیگر تغییر میکند، نهایتاً غذا نیز نابود نمیشود؛ بلکه تبدیل میشود. به عبارت دیگر، از موجودی به موجود دیگر انتقال میکند. «چند زنجیره غذایی که با یکدیگر ارتباط داشته باشند یک شبکه غذایی را به وجود می‌آورند. همه این شبکه‌های غذایی با یکدیگر ارتباط دارند. به طوری که همه موجودات زنده کره زمین یک شبکه غذایی بزرگ را تشکیل میدهند. این شبکه غذایی بزرگ، شبکه حیات نام دارد.» (امین زاده؛ ۱۳۸۸)

اهمیت محیط زیست

جای تأسف اینجاست که تا همین اواخر انسانها بدون هیچ نوع برنامه‌ی بی از محیط استفاده میکنند و کمترین توجه در قسمت تمدید و تجدید قوای محیط صورت نمیگیرد و تازه آن هم در معدود کشورهای مرفعی و پیشرفته است که دانش محیط زیست رشد چشم گیری داشته و دولتها حاضر به سرمایه گذاری در بخش حفاظت محیط زیست شده اند؛ «جای خوشحالی است که حفاظت محیط زیست در قرن بیست و یکم به عنوان یکی از هشت هدف توسعه هزاره و یکی از سه پایه توسعه پایدار شناخته میشود» (ویکی پدیا؛ ۱۳۹۲: Wikipedia).؛ اما تا هنوز در کشورهای جهان سوم و فقیر موضوع محیط زیست کمترین ارزش و جایگاه را دارد. شاید اساسی ترین دلیل آن در کنار فقر دولتها و ملتها، بحث عدم شناخت صحیح و جامع محیط زیست باشد دوم،

اینکه از لحاظ تعریف، رشته تحصیلی به نام محیط زیست و هم از لحاظ وجودی و مکانی محیط زیست به عنوان اصلی ترین بخش زنده گی به صورت درست شناسانده نشده است. هنوز هم در افغانستان اکثر مردم حتی شخصیتهای تحصیل کرده تنها تصویر ذهنی که از محیط زیست دارند کثافات شهری و روشهای پاک کاری آنهاست؛ حال آنکه غافل از آن اند زمانی که میخواهند پرواز هوایی داشته باشند وضعیت جوی بر ادامه حیات آنها چه تأثیری دارد. رشته تحصیلی محیط زیست است که وضعیت آب و هوا را پیش بینی میکند. هنوز هم خلیها نمی توانند درک کنند وقتی صحبت از حفاظت گونه های کمیاب گیاهی، حیوانی و یا حتی میکروسکوپی میشود؛ چه تأثیر بر ادامه حیات آنها دارد. هنوز هم تصور اغلب بر آن است که با استفاده از کودهای کیمیاوی و دواپاشی گیاهان میتوان غذای بیشتری برای جمعیت رو به رشد انسانی تهیه کرد و یا با استفاده از دوا می توان جلو بیماریها را گرفت؛ حال آنکه همه این موارد به نحوی بر سلامت انسان تأثیر منفی میگذارد.

«طبق آمارهای داده شده سالانه چیزی بالغ بر ۳۰۰۰ نفر ساکنان کشور بر اثر آلوده گیهای زیست محیطی جان میدهند» (فرهمند؛ ۱۳۹۲: ۳) با آن هم کمترین توجه به محیط زیست صورت نمیگیرد و هیچ رسانه یی حاضر نیست برنامه یی برای آگاهی عامه در مورد محیط زیست داشته باشد؛ حال آنکه اگر (۵) نفر بر اثر انفجار جان خویش را از دست دهد موضوع به شدت رسانه یی میشود. روزانه هزارها تن مواد غذایی وارد کشور میشود بدون آن که کمترین توجهی به کیفیت و سلامت غذایی آن مبذول گردد. در اکثر کشورها هیئت مدیره فابریکه های صنعتی ملزم اند تا گزارش فعالیت

خویش را از میزان مواد خام، نوعیت مواد خام، نحوه فعالیت، نوع ماشین آلات، مواد تولید شده، میزان تولید، بقایای مواد، میزان آلاینده ها، پسابها و موارد مشابه به دولتها ارایه دهند. در کشور ما هر روز به تعداد کارخانه ها افزوده میشود آیا کدام ارگان دولتی یا غیر دولتی از آنها نظارت دارد؟ از مالکان کارخانه ها در مورد سلامتی محیط زیست گزارش خواسته میشود؟ آیا به طور کل دولتها بابت آلوده کننده های زیست محیطی جریمه و مالیات وضع میکنند تا با استفاده از آن بر بهبود وضعیت محیط زیست رسیده گی کنند.

نتیجه گیری

انسان رفته رفته در چاهی می افتد که خودش حفر و محیط زیست را نابود میکند با آنکه میداند جای دیگری برای زیست ندارد. طبیعت را تخریب میکند حال آنکه میداند تمام نیازها و احتیاجاتش از همین طبیعت برآورده میشود. همه این بدبختیها بر میگردد به اینکه ما قدر زنده گی و اهمیت محیط زیست خود را نمیدانیم. بناءً از اهمیت رشته محیط زیست نیز بی خبریم. هر چند کشور ما در موارد مشابه با کمبود یها دست و پنجه نرم میکند؛ اما این دلیل شده نمیتواند که ما اولویتها را شناسیم. بحث محیط زیست و پدیده آلوده گی هر چند قدامتی به اندازه عمر حیات انسان بر روی زمین دارد؛ اما بالا بودن میزان آلوده گی در سالهای اخیر و نقش آن بر سلامت انسان موضوعی است که به تازه گی ذهن بشر را مشغول کرده است. تنها راه بهبود معضلات زیست محیطی جهانی و کشوری، آگاهی دهی به نسل حاضر و آینده است. شاید با آگاهی دادن به مردم بتوان جلو مشکلات حال و آینده را گرفت و این رسالت منوط به قشر روشن و محیط های اکادمیک میگردد.

مآخذ

- ۱- قرآن کریم، سوره طه، آیه ۵۳.
- ۲- احمدیار، وحدت. (۱۳۹۱). **محیط زیست ما افغانستان**. تهران: انتشارات بدخشان.
- ۳- اداره آموزش مازندران. (۱۳۸۲). **چگونه از محیط زیست خود محافظت کنیم؟** تهران: انتشارات کتابچه.
- ۴- امید، عبدالرحیم. (۱۳۹۲). **ضرورت حفظ محیط زیست**. هرات: انتشار مؤسسه هلمپ.
- ۵- امین زاده، رضا. (۱۳۸۸). **محیط زیست**. تهران: gilane-
1.blogja.co (۱۳۹۲).
- ۶- ایوبی، محمد رضا. (۱۳۹۱). **آب و اهمیت زیستی آن**. (boomesa.com).
- ۷- رهین، فرمند. (۱۳۹۲). **روزنامه افغانستان**. کابل، دوشنبه، ۹ جدی.
- ۸- علیخانی، احمد. (۱۳۷۹). **محیط زیست**. تهران: انتشارات جهان.
- ۹- ویکی پدیا. (۱۳۹۲). (Wikipedia).

